



دانشگاه مجازی المصطفی صلى الله عليه وآله

معاونت پژوهشی و تولید

گزارش نشست علمی پژوهشی

عنوان نشست	تقدکتاب- زندگی زمینی و راز آسمانی چارلز تیلور پیامد های مدرنیته برای دین و معنویت
موضوع نشست	تقدکتاب (دین و مدرنیته)
سخنران	حجت الاسلام دکتر حبیب ا... بابائی (عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) دکتر سهرابی فر (عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب)
دبیر علمی	دکتر حمید علی آبادی (استاد علمی جامعه المصطفی العالمیه)
زبان ارائه	فارسی
زمان برگزاری	۳۱ خرداد ۱۴۰۰
مکان برگزاری	دانشگاه مجازی (تحت وب)
تعداد شرکت کنندگان	۱۰۰ نفر آنلاین
لینک دسترسی به محتوای نشست	https://live.mou.ir/p4sl41nmb7ea/



متن نشست

بسم الله الرحمن الرحيم

تقد کتاب- زندگی زمینی و راز آسمانی چارلز تیلور پیدامی مدرنیته برای دین و معنویت

شروع با سخنان شهید چمران به مناسبت شهادت ایشان

در ابتدا دبیر علمی جلسه جناب آقای علی ابادی به معرفی اساتید نویسنده، ناقد و تبیین ضرورت برگزاری نشست و ... پرداختند.

در ادامه نویسنده کتاب جناب آقای دکتر سهرابی فر به تبیین موضوع و معرفی کتاب خود پرداختند که در زیر گزارش ان ارائه می گردد؛

سخنان نویسنده

یکی از مسایل جدی که در کشور ما بیش از یک قرن با آن مواجه هستیم مسئله دین و تجدد است در ایران اکثر مردم به باورها و مناسک دینی اهتمام ویژه دارند از سوی دیگر رخداد های مهمی که در دوران معاصر در جامعه ما شکل گرفت، تحولات گسترده ای در جامعه ما رخ داده است. گویا فضای سنتی دین داری ما در تلاقی جریان های مدرنیته دچار چالش هایی شده است.

این چالش ها زمینه ساز مسایل نظری را فراهم کرده است و نیز زمینه ساز مسایل و مشکلات و آسیب هایی در مقام عمل بوده است.

بنابراین در جامعه ما مسئله دین و تجدد مسئله ای مهم است. چطور می شود میان این دو تعامل ایجاد کرد و چطور می شود میان دو به داوری نشست و چه راه کاری را می توان برای این چالش ها مطرح کرد؟

از زمان مشروطیت به این رو مساله جدی جامعه ایرانی مساله دین و تجدد است و رویکردهای مختلفی هم نسبت به ان بوده است و گروه های مختلفی هم داشتیم که سعی کرده اند به این مساله پاسخ دهند





گروه های معتقد به نفی دین بوده اند گروه های دیگری هم بوده اند که معتقد به نفی مدرنیته بوده اند و مدرنیته را اشتباه تاریخ بشر می دانستند و می گفتند که باید از مدرنیته درست بر داریم و به دوران پیش از مدرن برگردیم

دیدگاه سوم تقریباً می توان از آن به ان راه میانه نام برد این دیدگاه سعی می کند دین داری را حفظ کند و برخی از ویژه گی های جهان مدرن را هم حفظ کند راه میانه ای که لزوماً به حفظ یکی از این دو منتهی نشود

پژوهش حاضر به سراغ تیلور رفته است زیرا اندیشه چارلز تیلور با این مساله بومی ما نسبت برقرار می کند

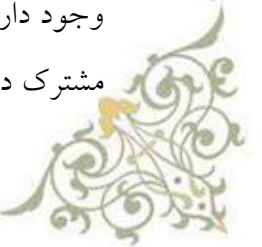
چارلز تیلور یک فلسفه اجتماعی بزرگ است، جایگاه او در جهان اندیشه بسیار ممتاز است،

نویسنده سعی نموده تیلور به جامعه ایرانی معرفی نماید اهم نکات و ایده های او را گزارش کند، و یک نگاه انتقادی به اندیشه ای او داشته باشد

کتاب دارای فصول مختلفی دارد فصل ابتدای در مورد تاریخچه دین و تجدد است، آنچه مدتها نظریه ی غالب بوده است، در نسبت دین و تجدد، نظریه سکولاریزاسیون است این نظریه معتقد است هر چه مدرنیته بیشتر شود دین داری در آنها افول بیشتری در آنها خواهد داشت، هر چه جامعه مدرن تر شود مردم بی دین تر خواهد شد این نظریه مدتها با بیان مختلف تبیین شده است این نظریه تا میانه قرن بیستم به صورت غالب در بین متفکران داریم از میان قرن بیستم به بعد یعنی از ۱۹۹۵۰ به بعد تحولات جدیدی رخ می دهد و مطالعات جدید انجام می شود دیدگاه جدیدی بیان می شود که از آن تعبیر می شود دیسکورایزیشن یا برخی تعبیر می کنند ریسکورایزیشن، افول سکولاریزیشن یا بازگشت امر قدسی، در مقابل نظریه اول که نه تنها با گسترش مدرنیته دین داری افول نکرده بلکه دین داری گسترش هم یافته است از جمله این افراد پیتر برگر است ر ابتدا ایشان به نظریه سکولاریزاسیون انتقاد داشت اما بعدها کتاب نوشت که این نظریه درست نیست ما باید از دیسکورایزیشن باید صحبت کنیم

اما آنچه هم اکنون در ادبیات این بحث وجود دارد و به ان پرداخته می شود ایده پست سکولار یا پسا سکولار

دوره سکولار تمام شده و به در واقع به دوره ای رسیده ایم که نه هژمونی و تک صدایی سکولاریزاسیون وجود دارد و نه تک صدایی نهاد بلکه به دوره ای رسیده ایم که این دو [دین و مدرنیته] باید با هم زیست مشترک داشته باشند





در واقع تیلور یکی از افرادی است که این ماجرا را تحلیل می کند و در این کتاب سوالی بیان می کند که چرا آدمها در غرب (آمریکای غربی و شمالی) در سال ۱۵۰۰ میلادی مومنی بودند، در حالی که در سال ۲۰۰۰؛ قریب به ۵۰۰ سال بعد این دین داری را ندارند؟

برای پاسخ مطالعاتی را انجام می دهند نسبت به ۵ قرن گذشته، این مطالعات صرفاً بیان رخداد های تاریخی نیست، جریان های مختلفی را بحث می کنند و به زوایای مختلفی می پردازند. و جریان ها مختلفی را بررسی می کنند؟

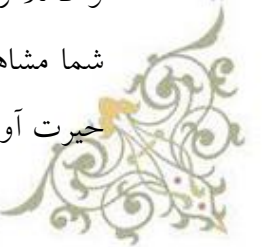
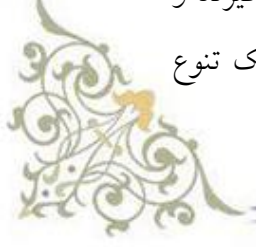
دیدگاه های مختلفی را بیان می کنند جعل اصطلاح می کنند و مفاهیم جدیدی را وارد مساله می کنند یکی از نکاتی که در اندیشه تیلور کلیدی است، اکان دیشن ، تیلور عقیده دارد که باور ها صرفاً بر اساس استدلال ها شکل نمی گیرد، باور ها در یک سری شرایطی شکل میگیرند، ممکن است امری در یک شرایط خاص باوری شکل بگیرد و در شرایط باور دیگری مورد قبول قرار نگیرد آنچه اتفاق افتاده است این است که در دوران مدرن و در دوران پیشامدرن شرایط باور عوض شده است چیز هایی که در گذشته در گذشته موجب باور می شد امکان دارد امروزه موجب باور مندی نشود یا دلایلی که در گذشته موجب عدم باور مندی می شد امروزه اعتبار خود را از دست داده اند امروزه کلا زمینه باور مندی متفاوت شده است، انسانها الان شرایط برایشان به نحو دیگری رقم می زند که باورمند شوند یا باور پیدا نکنند

امروزه ما در زندگی ها دچار فشار مضاعف هستیم یعنی اینکه ما از سوی ای با زندگی هایی برخورد داریم که خود را به صورت دنیوی مطرح می کنند و این نوع سبک زندگی برای خودش جاذبه هایی دارد، و از سویی دیگر زندگی دینی برای خودش جاذبه هایی دارد و بشر امروز خود را از این امور ماورایی و معنوی بی بهره کرده است، و از سویی خود را میان این دو گیر کرده است

یک زندگی زمینی وجود دارد و یک زندگی آسمانی وجود دارد و در واقع این کشمکش را احساس می کند و در میان این فشار مضاعف ما شرایطی را داریم که تیلور اسم آن را اثر نوا می گذارد اثر نوا یک اصطلاح اختر شناسانه است یعنی وقتی یک ستاره به پایان عمر خودش می رسد و منفجر می شود و به هزاران تکه تبدیل می شود و انرژی می دهد و پخش می شود اثر نوا گفته می شود

تیلور از این اصطلاح اختر شناسانه استفاده می کند و وضعیت موجود را بیان می کند و می گوید ما امروزه میان زمین و آسمان گرفتار هستیم گزینه های مختلفی برای ما ارایه شده است گزینه های کاملاً دینی و کاملاً زمینی، به عنوان دو تا قطب و انبوهی از گزینه ها که به عنوان دو سر این طیف قرار می گیرند و شما مشاهده می کنید معنویت های مختلف و دین داری های مختلف را شاهد هستید، و... و یک تنوع

حیرت آوری را امروزه شاهد هستید





از همین ها استفاده می کند برای معنای جدیدی از سکولار، یعنی سکولار در گذشته به مفهوم جامعه بی دین بوده است، یا آنچه بسیار شنیده اید نهاد دین از نهاد سیاست جدا باشد، تعاریف رایجی است که در امر سکولار وجود دارد ولی سکولار با تحلیل فعلی جامعه مدرن به این می رسند که نه دین به تنهایی و نه ضد دین به تنهایی، نماینده بخش عمومی جامعه نیست، بلکه هر کدام یک گزینه هستند و افراد به صورت ایشان ها می توانند اینها را انتخاب کنند یا نکنند و این وضعیت جدید سکولار است.

اما چه پیامدهایی داشته مدرنیته برای دین و معنویت؟

به صورت تیتروار عرض می شود:

۱- دین به یک امر انتخابی بدل شده است امروزه دین به یک امر آپشنال تبدیل شده مانند دوران پیشا مدرنیته نیست که فراگیر بوده و همه داشته اند

۲- انسانها آمده اند و از دین تفاسیر انسان محورانه اعلام نموده اند. آموزه های دینی را برداشته و یک تفسیر جدید از آن بیان کرده اند مثلا عبادت از آن تفسیر جدید از آن ارایه شده است گناه رو از آن تفسیر جدید از آن ارایه شده است و مفاهیم دیگر این چنینی را، یعنی همه تفاسیر دستورش به جای آن که از آسمان و از سوی خدا باشد از سوی انسان ارایه می شود

اما تیلور یک ویژگی دیگری که دارد این است که هم دین و هم مدرنیته را اصیل می داند راه میانه که در ابتدا عرض شد را انتخاب می کند نه دین را کنار می گذارد (که خودش یک مسیحیت کاتولیک است)، و نه مدرنیته را کنار می گذارد و معتقد است در مدرنیته هم نکاتی هست که ارزش مند است فلذا یکی از پیامدهای مدرنیته این است که برخی از آموزه های اصیل دینی را در واقع مدرنیته احیا می کند مثلا: یکی از آموزه های دینی عدالت بوده است که قرنها این عدالت اجتماعی محقق نشده است امروزها به نحو ایده آل نیست اما به نسبت گذشته حقوق بشر و عدالت اجتماعی مورد توجه است

برخی از پیامدهای مدرنیته برای معنویت

۱- معنویت به نحو مستقل از دین مطرح شود و این نکته ی مهمی است، در طول تاریخ بشر معنویت بخشی از دین بوده است و هیچگاه امر مستقل از دین نبوده است عالمان معنوی همان عالمان دینی بوده اند اما در دوران مدرن به جایی رسیده ایم که معنویت خود را به عنوان یک امر مستقل مطرح می کند در جامعه غربی گروهی یافت می شود که بنام اس می اس ها، کسانی که خود را این گونه معرفی می کنند که معنوی هستیم ولی دین دار نیستیم، و به یک جدایی معنویت در دین رسیده اند، و فقط جدایی هم نیست بلکه به یک تقابل هم رسیده اند، و شما با یک گزینه هایی میان دین و معنویت هستید یکی از علل این جدایی دین





از معنویت که تیلور در یکی از کتاب‌هایش از آن تعبیر می‌کند به «این وارد من»، یعنی انسانها یک توجهی پیدا می‌کنند به درون خودشان، این مساله به خصوص در دوره «رومانسیم» رشد چشم‌گیری پیدا می‌کند، که درون انسان را منبعی از معرفت و ارزش معرفی می‌کند، و برای او کافی است و دیگر نیازی به مرجعیت بیرونی ندارد این یکی از علل مهمی است که در شکل‌گیری معنویت جدید نقش ایفا می‌کند

بخش پایانی کتاب- نقد هایی که به تیلور مطرح شده است

نقد های که به انسجام درونی ایده ای که او مطرح کرده پرداخته شده است، داده های که او به کار برده است و عدم جامعیت این داده ها پرداخته است

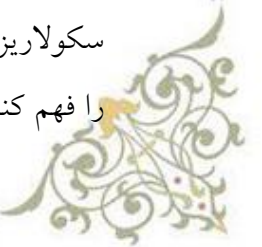
طبیعی است که وقتی شما یک موضوعی را در بازه ۵۰۰ ساله مطرح می‌کنید، خیلی چیزها احتمال فراموشی دارد، و نقدهای مختلف دیگری که در مورد دیدگاه های او مطرح شده است که منتهی علی‌رغم همه ی نقد های که انجام شده ضرورت دارد ایده او را بازخوانی کنیم، و برای جامعه خودمان که می‌خواهیم بحث دین و تجدد را مطرح کنیم از تجربه ای که در غرب افتاده است بازخوانی کنیم و اشتباهاتی که در آنجا بوده است بشناسیم و راه کاری برای جامعه خودمان مطرح کنیم

سخنان ناقد

تقدیر و تشکر از برگزاری این نشست و عزیزانی که در برگزاری آن را زحمت کشیده اند.

اصل این موضوع و آقای چارلز تیلور در ایران، بسیار مغتنم است و حُسن سلیقه ی آقای دکتر سهرابی فر و اساتید ایشان را در دوره دکتری می‌رساند و معرفی می‌کنم و از شخصیت های است که با دیگران متفاوت است زیرا هم تاریخ را میدانند و هم تاریخ را دارد تحلیل فلسفی می‌کند برخلاف برخی از اساتید ما در حوزه و دانشگاه که یا تاریخ می‌دانند و فلسفه نمی‌دانند و یا فلسفه می‌دانند و تاریخ نمی‌دانند، و کمتر هستند مانند چارلز تیلور بتوانند گذشته خودشان را تحلیل فلسفی ارایه کنند

شجاعت دکتر سهرابی فر که به نقد چارلز تیلور بروند، زیرا تیلور شخصیت بزرگی است که در غرب، و اصلا به دنبال نقد این شخصیت رفتن اصلا پروژه سنگینی است، و هنوز یک کتاب ۲۰۰ صفحه ای در نقد اندیشه های چارلز تیلور نوشته شده است، این کتاب فقط کتاب سکلار که حجمش نزدیک ۷۰۰ یا ۸۰۰ صفحه بیشتر می‌شود کتاب حجمی است من یادم هست در دانشگاه یو وی ای خانم اسلاوا یک درس سکولاریز داشت که وقتی به کتاب آقای چارلز تیلور رسیدم گفت من فقط تونستم ۴۰۰ صفحه از آن کتاب را فهم کنم و من نتوانستم به کل این کتاب اشراف علمی پیدا کنم





کتابی به این دشواری عملا سخت است نقد کردن آن، جسارت آقای سهرابی فر از این جهت قابل تقدیر است ولی نقد ها هنوز نیاز به کار دارد و اساسا فهم شخصیت چارلز تیلور فاصله داریم باید این کتابهایش در ایران ترجمه شود، آثارش خوانده و مباحثه شود در سیلابس های درسی بیاد و به تدریج به نقد این اندیشه هم رفت

اما در مورد کتاب چند ملاحظه به نظر می رسد:

برخی شکلی است که در انتها گفته می شود، ولی به جهت محتوایی اولین سوالی که برای بنده قابل طرح است این است که اساسا ما چه مقدار می توانیم با چارلز تیلور مساله تجدد و دین را در ایران یا در دنیای اسلام، یک مقدار تحلیل کنیم و برای آن پاسخی را پیدا کنیم؟

به نظرم اساسا هم تاریخ دین و هم تاریخ مدرنراسیون، ارتباط دین با مدرنیته و یا مدرنیته شرقی شده به این معنی در دنیای اسلام، یک فراز و فرودی داشته است، و من تردید دارم که چارلز تیلور زمانی که ورود به اسلام کند بتواند به درستی مسایل ما را حل کند! و ما بتوانیم از چارلز تیلور در مناسبات دین و تجدد استفاده کنیم!

این جای تامل دارد و باید در مورد آن فکر کرد

در بحث محتوایی باید چند نکته را در نظر بگیریم:

نکته اول که بسیار مهم است باید دید آقای تیلور در اینجا آیا یک فاصله در بین دنیای مسیحیت یا قبل از دنیای مدرنیته (قرون وسطا) با دنیای مدرن قائل است یا نه؟

برخی از اندیشمندان در کتابهای مختلف مثل آقای هرمن رندان در کتاب سیر تکامل عقل نوین و یا آقای ... بوفمن در کتاب جریانات بزرگ در تاریخ اندیشه غربی و اخیرا آقای گلاسکی در کتاب ریشه های عنایاتی مدرنیته، تحلیل هایی که ارائه می دهند نشان از امتداد تفکر مسیحی در دل مدرنیته و از آن طرف ریشه های الهیاتی دینی و مسیحی و بلکه ریشه های فرهنگی سکولاریسم در قرون وسطا و حتی در دوره باستان دارد، و یکی از تردید های که اساسا مطرح می کنند این است که آیا امکان این وجود دارد که ما قرون وسطا را از قرن ۵ میلادی تا دوران ۱۵ میلادی در نظر بگیریم، آیا اساسا امکان حصول چنین شکاف تاریخی و فکری هویتی و فرهنگی، بین دوره باستان و بین دوره جدید بنام قرون وسطا وجود دارد یا ندارد؟

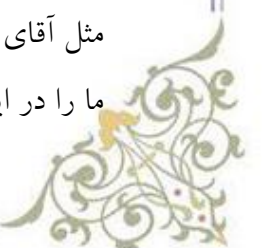
البته باید فیلسوفان تاریخ باید در موردش صحبت بکنند که ما اساسا چه میزان می توانیم در این گسل های تاریخی را در واقع ادامه دار تصور کنیم حداقل ریشه های اومانیستی آن را در کتاب گلاسکی شما نگاه می کنید ریشه های اومانیستی را به خوبی نشان می دهند و در مورد سکولاریزم هم برخی تلقی شان





این است که اساساً سکولاریز در دنیای غرب (چه غرب مسیحی و چه غرب یونان و روم و چه در دنیای مدرن)، یک امر عرضی نبود بلکه یک امر ذاتی در دنیای غرب بوده است، یعنی چه وقتی روم غربی با روم شرقی را، و مسیحیت شرقی را با مسیحیت غربی را با هم مقایسه می کنید می بینید که مسیحیت که در روم غربی باقی می ماند در دوران خودش نوع ای سکولار گونه گی را دارد بر خلاف مسیحیت اورتدکسی که می آید در قسطنطنیه یا استنبول فعلی مستقر می شود و اساساً شما یک چنین تفکیکی بین دین و جامعه در آن مشاهده نمی کنید این به نظرم یک نکته مهمی است که چه ما در توصیف اندیشه های آقای چارلز تیلور و چه در نقد اندیشه های ایشان و چه در تطبیق اندیشه های تیلور به دنیای اسلام، ایران شبه قاره و شرق آسیا، افریقا جهان عرب، ترکیه و دیگر جاها، به نظرم نسبت به این اتصال هویتی و فرهنگی باید جانب احتیاط را به این معنی نگاه داریم

نکته دوم: این کتاب را آقای سهرابی فر برای تز دکتری زجمت کشیده اند و زحمت زیادی هم کشیده اند خوب خواننده آثار چارلز تیلور کار آسانی نیست، و تا بخواهیم این را تبیین کنیم و من کم و بیش نسبت به سختی های کار واقف هستم، ولی به نظر می آید این کتاب در نسخه های بعدی قابلیت این را دارد پخته شود و با اشراف بیشتر و نگاه سیستماتیک تر به یک معنی به آثار و اندیشه های آقای چارلز تیلور نوشته شود این را از این جهت دارم روش تاکید می کنم که فکر می کنم هنوز در کتاب نظام واره اندیشه آقای چارلز تیلور مشخص نیست، و بیشتر اندیشه ای آقای تیلور به صورت نکته وار در حقیقت دارد تبیین می شود و این برای من خواننده که مشتاق هستم که چارلز تیلور را در اسکلت اندیشه اش فهم کنم احساس می کنم این اسکلت و این پیوستگی در اندیشه به دست من نمی آید اینجا می خواهیم یک نکته ی را روش تاکید کنم که به نظرم بسیار مهم است و توضیح آقای دکتر سهرابی فر می تواند به ما کمک کند که این کتاب را نوشته اند که بهتر بفهمیم آن هم این است که اساساً گویا تمایزی وجود دارد بین خود تیلور، آنجایی که دارد دین و مدرنیته را برای مخاطب مدرن در آمریکای شمالی می نویسد و اونجا دنبال اعتبار بخشی توامان به دین و مدرنیته است این آنجایی که آقای تیلور در کتاب سکولاری اش برای مخاطب مدرن غربی نوشته می شود و بحث می شود و ارایه می شود ولی آنجایی که این کتاب یعنی کتاب دکتر سهرابی فر در مورد اندیشه تیلور برای مخاطب ایرانی نوشته می شود برداشت من که احتمال می دهم برداشت درستی نباشد اگر برداشتم در واقع ناقص است آقای دکتر حتماً توضیح بدهند لطفاً، این کتاب وقتی برای مخاطب فارسی نوشته می شود اون اعتبار توامان دین و مدرنیته در آن محفوظ نمی ماند بلکه عملاً مدرنیته اصالت پیدا می کند در برابر دین، [البته] من به بحث اصالت پرداخت خواهم داشت، اما وارد کردن اندیشه های اساتیدی مثل آقای ملکیان، فنائی، شبستری و سروش در این کتاب، می تواند سوء برداشت کند و ما را و تمرکز ذهنی ما را در این کتاب از اندیشه های آقای چارلز تیلور دور کند





و به نظر می‌رسد این اتفاق افتاده است چون ما در کتاب در دو جا مثلا در صفحه ۹۰ و صفحه ۱۷۸ ورود پیدا می‌کنیم زمینه‌های اندیشه‌های ایرانی در مورد دین و مدرنیته گویا احیانا داریم آقای چارلز تیلور را فرو می‌کاهیم به اندیشه‌های آقای ملکیان، و جناب آقای سروش یا جناب آقای شبستری و یا آقای فنائی و دیگر بزرگواران و اساتید که وجود دارند و از این جهت تحفظ تواما دین و مدرنیته گویا برای مخاطب فارسی زبان باقی نمی‌ماند این برداشتی بوده است که من از این کتاب داشته‌ام

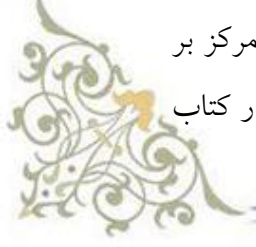
و ذیل این نکته می‌خواهیم نکته‌ای را اشاره کنم که جناب آقای دکتر در صفحه ۹۸ و صفحه ۱۰۴ اشاره داشته‌اند در رابطه‌ی دین و مدرنیته که این بحث قابلیت توضیح و تبیین بیشتری می‌توانست داشته باشد آنجا که آقای دکتر به مساله‌ی نسبت دین و مدرنیته اشاره می‌کنند به مساله دگرگون‌کنندگی دین اشاره می‌کنند این را نه تنها آقای تیلور بلکه آقای ریچارد میبرد در کتاب تراس ان کالدر، آنجا که دارد پنج‌الگو را در مورد دین و فرهنگ، مسیحیت و فرهنگ دارد مطرح می‌کند یکی از الگوها الگوی پنجمی که آقای ریچارد میبرد مطرح می‌کند دقیقا الگو چنگزفرمین است یعنی دین می‌آید و فرهنگ را از نقطه a به نقطه b منتقل می‌کند و این در برخی از آثار اندیشه‌های دانشمندان مان مثلا در آثار استاد مطهری کم و بیش می‌توانید مشاهده کنید آنجا که اسلام و مدرنیته را نسبت سنجی می‌کند

و اینکه آیا در نسبت دین و مدرنیته فقط دین هست که باید با اقتضائات زمانه و زمینه‌ای خودش را منقبض و یا منبسط کند یا نه مدرنیته هم به مثابه یک فرهنگ انسانی قابلیت انقباض و انبساط، و قابلیت تغییر یابندگی را دارد؟ به نظرم این بحث اینجا خیلی مهم است که این اندیشه از آقای چارلز تیلور را لوازم منطقیش را نه تنها در دنیای غرب بلکه در دنیای اسلام هم آنجا که در مورد مدرناسیون و به یک معنی دین و اسلام داریم صحبت می‌کنیم در موردش بتوانیم در مورد این مبنا هم صحبت کنیم و بتوانیم آن را تبدیل به برنامه کنیم.

نکته بعد [نکته سوم]:

در مورد موضوع اصالت هست که آقای دکتر سهرابی فر اشاره فرمودند و از آقای چارلز تیلور و در جاهای از آقای ملکیان و دیگر اندیشمندان، البته ایشان به این موضوع از آقای چارلز تیلور نقد هم کردند آقای چارلز تیلور در مورد اصالت معیار ارایه نمی‌دهند در حالی که برخی از اندیشمندان در جامعه ما معیار دارند حال این نقد یا این مقایسه می‌تواند درست باشد ولی باید در موضوع اصالت باید تامل کنیم که اساسا محور و موضوع اصالت چیست؟

اگر اصالت ان طور که برخی از آقایان به آن اشاره می‌کنند که اصالت زندگی انسان در واقع تمرکز بر زندگی فردی خودش هست و تمرکز بر خود و صنف خود هست این را شهید مطهری رحمه الله در کتاب





انسان کامل در برابر آقای پان پور سات که می گوید خدا پرستی بیگانه پرستی است، و انسان هر مقدار به خدا پرستی می پردازد از خوش دورتر می شود و به تعبیری اصالت خودش را از دست می دهد ایشان (شهید مطهری) یک توضیحی دارند که می فرمایند با استفاده از قاعده عرفانی « من عرف نفسه فقد عرف ربه» به این نکته اشاره می کنند که اساسا این بحث ا در کتاب اخلاق ... هم مطرح می کنند که اساسا یک من علوی و یک من سفلی را مطرح می کنند و آنگاه به این نکته اشاره می کنند که اساسا من علوی و معنوی انسانها در نسبت به خداوند و عبادت خداوند، نه تنها از خود دور نمی شود و از اصالت انسانی دور نمی شود، بلکه هر مقدار خدا پرستی در زندگی فردی ورود و نفوذ می کند فرد به نوعی از خود شکوفایی دست پیدا می کند یعنی به جهت هم نسبت به بحث های انسان شناسی و هم معرفت النفس هم هستی شناختی بسیار مهم است و اینجا می تواند محل تمایز حال چه در توضیح چارلز تیلور و چه نقد جناب چارلز تیلور باشد.

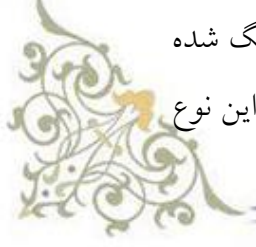
نکته بعدی [نکته چهارم]

ای کاش جناب دکتر سهرابی فر با فراغ بال به این موضوع توجه می نمودند آن سکولاریز نوع سومی است که آقای چارلز تیلور مطرح می نمایند در واقع سکولاریز نوع اول به یک معنی سکولاریز الحادی است سکولاریز نوع دوم تفکیک بین دین و حوزه اجتماعی است، و سکولاریز نوع سوم پذیرفتن دین به عنوان یک آپشن در کنار هزاران و میلیون ها آپشن دینی، معنوی و اخلاقی دیگر است

این سکولاریز می که اینجا اتفاق افتاده است، من این را هم در کتاب کاوش های نظری در الهیات تمدن آورده ام و مقاله ان را در مجله علوم سیاسی به آن اشاره کرده ام که عنوان مقاله فرهنگ تکثر گرای غربی و چالش های نو پدید آن در زیست و هویت مسلمان شرقی است

نکته ای که در این نوع از سکولاریزه نوع سوم اتفاق می افتد این است که ما در گاهی سکولاریزاسیون به صورت علمی رخ می دهد یعنی ما در آکادمی های علمی تحلیل می کنیم رابطه ی دین و جامعه، به این نتیجه می رسیم که آوردن دین به صلاح نیست یا جامعه بستر و زمینه لازم را برای دین داری ندارد آنگاه می گوئیم سکولاریز خوب است و این خوب بودن سکولاریز را پمپاژ می کنیم در بدنه فرهنگی جامعه، این سکولاریز؛ سکولاریز علمی است، ریشه آن نخبگانی است، نخبگان فکر می کنند و تصمیم می گیرند و فرهنگ توده را متقاعد می کنند در برابر سکولار بودن، اما آنچه در سکولاریز نوع سوم دارد اتفاق می افتد به نوعی سکولاریزاسیون روانشناختی است یعنی چه؟

یعنی آنقدر آپشن های دینی آپشن های معنوی آپشن های اعتقادی بیشتر و بیشتر متنوع و رنگارنگ شده ، شما اساسا به خاطر تنوع آپشن های دینی به جهت روانی، امکان استقرار ایمانی را پیدا نمی کنید و این نوع





از سکولاریزاسیون به نوعی رادیکال تر است به یک معنا آکادمیک و نقد این [سکولاریزاسیون] و رفتن به مصادف یک چنین سکولاریزاسیون. حال من در کتاب تنبه و تمدن در اندیشه اسلامی به دنبال این بوده ام که آیا ما در تفکر اسلامی می توانیم حال به تعبیر قرآنی، سبیل ها یا سبل الهی را در فرهنگ اسلامی به صورت متنوع و متکثر فعال کنیم؟ در آن چار چوب صراط، منظوم پولولاریزم نیست، منظوم تکثر گرایی نیست، منظوم نسبیت نیست ولی نوعی از تنبه در واقع دینی یا مذهبی است، آیا با فعال کردن تنبه اسلامی در جامعه اسلامی آیا ما می توانیم به جهت روانی به سراغ سکولاریزاسیون نوع سوم برویم یا نه؟ و این نکته ی قابل تاملی است

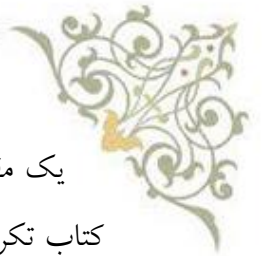
نکته آخر [پنجم]

به جهت محتوایی بحث پولولاریزم در جهان اسلام، ببینید ما در طول تاریخ اسلام، نوعی از تنوع فرق و ملل، نحل و مذاهب اسلامی را در یک فرایند تاریخی پیدا کردیم و لذا اساسا کتابهایی داریم در مورد تاریخ ملل و نحل و ... علاوه بر این ما در ارتباطات فرهنگی اسلام با فرهنگ های دیگر تنبهاات جدید داریم یعنی انگاه که اسلام آمد به ایران، ما به گونه ای اسلام ایرانی هم پیدا کردیم اسلام هنگامی که به هندوستان رفت و شبه قاره، اسلام هندی هم ما کم بیش پیدا کردیم اسلام هنگامی که رفت شرق آسیا، اسلامی هنگامی که به آفریقا رفت، اسلام وقتی رفت به عثمانی، ما یک صبغه های فرهنگی پیدا کردیم حالا این ضلع دوم، ما در دورن اسلام ملل و نحله ای پیدا کردیم اولاً، ثانياً در امتداد اسلام با فرهنگ های مختلف و ما دوچار نوعی از تنوع جدید شدیم، اسلام ایرانی، هندی و عثمانی، ثالثاً با ورود مدرنیته به دنیای اسلام ما تنوع سومی پیدا کردیم، از وقتی که آقای ناپلئون وارد مصر شد، و از وقتی تفکر مدرن و دنیای وارد دنیای اسلام شد، ما شق شق شدیم و مدرنیته به ما وحدتی نداد، یعنی این گپ های به یک معنا دینی را و گپ های هویتی را در ما حل نکرد بلکه برش های جدیدی را در ما ایجاد کرد، حال سوال من این است که ما چگونه این وضعیت متنوع و متکثر پیچیده سه ضلعی را از اندیشه آقای چارلز تیلور می توان در حل مساله دین و مدرنیته در ایران امروز، در ترکیه امروز در دنیای عرب امروز، در واقع استفاده بکنیم؟

هنوز این برای بنده به عنوان مخاطب قابل تامل است.

و من به لحاظ شکلی هم پیشنهاد می کنم که در اگر تجدید چاپ می شود حتماً آقای دکتر ان کتاب آیین عرفی را ملاحظه کنند به نظرم جای اندیشه و نظرات کلاسیک سکولاریز جای جان هاو لاواک به عنوان اندیشمند و تئوریسین اصلی، یا پدر سکولاریز در قرن هیجدهم خالی است، آوردن آن حتماً به غنای کتاب اضافه می کند، کتاب سکولاریز از ظهور تا سقوط، اتفاقاً در انجا ما یک مقاله از آقای تیلور به عنوان سیوه های سکولاریز ترجمه کردیم و آوردیم احتمالاً باز میتواند به روشن شدن موضوع کمک کند.





یک مقدار تکرار های مختلف در مورد ذات گرای ، معیار اصالت و نظریه حذف، در صفحات مختلف کتاب تکرار شده است، انها را در ویرایش بعد آقای دکتر می توانند تجمیع کنند، البته به تحلیل ها می توانند اضافه کنند یکسری اشتباهات تایپی در کتاب آمده و کلا پاورقی بخش سوم از صفحه ۱۱۹، اساسا یک شماره اش جا به جا شده است احتمالا انتشارات یک جا به جایی کرده و نیز در صفحه ۳۳ نموداری ترسیم شده است، و در واقع یک اشتباه تایپی شده است به جای نظم نوین، یعنی رشد اقتصادی ... دوبار آمده است مواردی از این دست

انشاء الله این موارد شکلی اصلاح شود و کتاب با جلد گالینگور چاپ شود خیلی کتاب را می تواند بادوام کند

پاسخ و دفاع استاد نویسنده

تشکر از دکتر بابایی که کتاب را مطالعه کردند و بنده از نکات ایشان استفاده کردم

چند نکته در این زمینه عرض می کنم:

من با جامعه ایران شروع کردم چون من همیشه این دغدغه را داشته ام، چون ما باید نسبت به جامعه خودمان، [اهمیت دهیم]

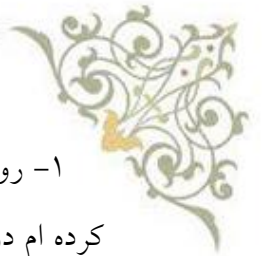
جامعه هم که می گویم وقتی دنیای اسلام با مدرنیته مواجه شد،

.... [بعد از وقفه اینچنین ادامه می دهند]

عرض کردم که کارهای تیلور از باب مقدمه ای است که ما بتوانیم از نکات او استفاده کنیم برای حل مساله خودمان

من خیلی جدی اعتقاد دارم که پژوهش هایی که ما انجام می دهیم حتما باید به یک ثمره و فایده ای برسد این پژوهش برای آن بود برای ان تصویری که در غرب اتفاق افتاده کمک کند، و کار ایشان الهام بخش باشد البته تیلور تاکید می کند که من درباره فضای مسیحی دارم صحبت می کنم ولی یک جاهای می گوید که در فضا های دیگر هم می شود از این ایده ها استفاده کرد، در مورد اسلام یک اشاره های دارد و ... منتهی آنچه به زعم من می توان استفاده کرد چند مساله است:





۱- روش شناسی اوست که در مواقع با یک مساله چگونه مواجه شده است، سوالی که من از تیلور نقل کرده ام در واقع پیش پا افتاده است و امکان دارد برای هر کسی رخ دهد، چنانچه مردم در تاکسی و ... می گویند دین داری چرا این طوری است؟ قبلا این طور بود و الان این طور شده است؟

۲- یکی دیگر از مواردی که می شود از کار تیلور استفاده کرد، چارچوب های مفهومی است که او استفاده می کند، تیلور یک فیلسوف است همان طور که آقای دکتر بابایی اشاره کردند با خیلی دیگر از متفکران مانند پیتر برگر و ... که در کتاب از آنها یاد شده، اینها جامعه شناس هستند جامعه شناس دین، منتهی تیلور یک فیلسوف است و وقتی ایده پردازی می کند به عنوان کاندیشن آفز، یا شرایط باور، این به پیشینه فلسفی او بازگردد می کند پیشینه ای که تحت تاثیر فیلسوفانی مثل هایدگر و مثل پوکو و فیتن اشتاین، این نکته ی بسیار مهم است که ما می توانیم از چارچوب های مفهومی او استفاده کنیم، و چارچوب های مفهومی دیگری که صورت بندی کرده اند و زیاد هستند و من حتی یک بخش از کارم این بود که اینها را بتوانم گزارش دهم، و نشان بدهم که در پی چه هستند، اما در مورد جامعه ما قدم دومی است که من دوست داشتم انجام دهم اما هنوز توفیق این کار را نداشتم، اینکه ما در مورد جامعه خودمان باید چه مسیری را طی کنیم؟ این پروژه ای بوده که آقای تیلور چند دهه از عمر خودش را گذشته است، و به این نتیجه رسیده و به این کار رسیده است، و عرض شود که باید به این سمت رویم، باید سنت خودمان را بازخوانی کنیم، باید جهان جدید را بهتر بشناسیم، اقتضائات آن را بهتر بشناسیم، هنوز در جامعه ما گرایشاتی وجود دارد، هنوز که می گویم نه اینکه ضعیف باشند، بلکه خیلی هم جدی هستند، که مدرنیته را کلا شیطانی می داند، کلا بی راهه می داند و حال تعبیری که برخی از آقایان نام می برند و کلا بستر مدرنیته را می خواهد کنار بگذارد، باید یک نگاه متعادلی داشته باشیم، هم از دین داری محافظت کنیم و هم از دست آورد های مثبت مدرنیته استفاده کنیم، و از آن طرف این گونه هم نباشد که، یک نکته ای را آقای دکتر فرمودند نتوانستم تطبیق کنم که کجا منظورشان است؟ که فرمودند بیشتر جانب مدرنیته گرفته شده است؟ اتفاقا یکی از نقد های جدی و ارزشمند تیلور این است که نقد های که مدرنیته دارد، تیلور خودش یکی از منتقدان مدرنیته است، این چیزی که باز یکی از اصطلاحاتی که او به کار می برد، اکسپلوریز هیرمنیده، که در کتاب ترجمه شده است به انسان گرایی انحصاری، یعنی نگاهی که به مرور در طول چند قرن، شکل گرفت و کل حیات انسانی در این عالم مادی و اصطلاحی که بسیار جا افتاد در ادبیات بحث با عنوان «امنچ پرین»، که یک وبلاگ معتبری هم در این زمینه هست، در بحث الهیات، جامعه شناسی، مقالات ارزشمندی می نویسد و می توانید با

عبارت «امنچ پرین»، سرچ کنید، که با کتاب تیلور آغاز شد این وبلاگ یکی از این بحث ها همین انسان گرایی انحصاری است که کل بشر را محدود به عالم مادی می کند، یعنی قطعات مختلفی از علوم تجربی و فلسفه و از شاخه های دیگر جمع می شوند، و تبیینی از هستی می دهند که کاملا در جهان مادی سعی





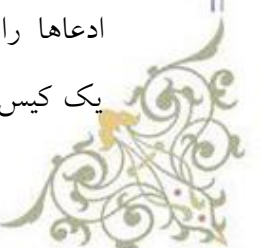
می کند زندگی را محدود کند، و همه چیز را توضیح دهد که گویا این جهان مادی کافی است و اساسا ما نیاز به ماوراء نداریم، یکی از نقد های تیلور این است که مدرنیته به این جا منتهی شده است، اکسپلی ... منتهی شده است، البته نقد های که دارد و آقای دکتر هم اشاره داشتند که آیا معتقد به یک گسست است یا نه؟ دست کم من یک چنین چیزی از تیلور سراغ ندارم، یعنی ماجرا را پیوسته می داند حتی انسان گرایی انحصاری فرزند مسیحیت، و فرزند رفتار های که مسیحیت انجام داد می داند یعنی رفتار های که نهاد دین انجام داد

چه کار هایی که در قرون وسطا انجام داد سخت گیریها و دادگاههای تفتیش عقاید، و چیز های مشابه، و چه رفتارهای که در دوران مدرن انجام داد، دفاعیاتی که سعی کرد در جریانات روشنگری انجام دهد.

اینکه فرمودند این کتاب مقداری منظومه وارد نشده همان طور که می دانید تیلور بسیار و بسیار پرنویس است تیلور، و چندین برابر آنچه نوشته کار های انجام شده نوشته اند، لذا جمع کردن همه ی این افکار و ایده ها، و نیز حیطه وسیعی را کار کرده است تیلور، حالا من بحث های مدرنیته ایشان را بحث کردم ولی در بحث های فلسفه اجتماعی و تاریخ فلسفه، فلسفه هگل، معرفت شناسی و هرمنوتیک، و نیز فلسفه اخلاق، در واقع او کار کرده، یم مقدار نوشتن در مورد این گونه افراد که گسترده اند دشوار است، ولی از نقد هایی که مطرح می کردید من از ان استفاده می کنم، و یاد داشت کردم، از روشنفکران هم ن یادم نیامد استفاده کرده باشم، چون برای چند سال قبل است، شاید مورد ذکر شده باشد، مثلا بحث اصالت هم که بود نوشته ام که آقای ملکیان هم این بحث را مطرح کرده اند، صرفا برا اینکه مخاطب را لینک کرده باشم که در فضای بومی هم یک چنین بحثی شده است، یک جا از ملیکان یاد کردم که در پاورقی بود که این هم به خاطر این بود که در واقع دیدگاه آقای تیلور می شد نقد آقای ملیکان باشد، در نظریه عقلانیت و معنویت ایشان، که موردی ذکر شده است،

(سخن آقای آقای بابایی در قسمت چت: ص ۹۰ و ص ۱۷۸)

و از جمله مزایای تیلور جنبه انصافش هست، یک جایی به دین سستی نقد دارد و یک جایی به کلیسای مسیحیت، که اینها به در جامعه به نحوی رفتار می کردند که موجب بی عدالتی می شدند، موجب ایجاد شکافه طبقاتی می شدند، و ما برای اینکه بخواهیم به جامعه عادلانه برسیم چاره ای نداشتیم که بخواهیم ان کلیسا فاصله بگیریم، این نقد هایی است که به دین دارد و از سوی دیگر نقد های که به مدرنیته دارد، که مدرنیته انساگرایی انحصاری را ایجاد کرد، مدرنیته راههایی را بیان کرد که خودش توان به دوش کشیدن ان ادعاها را ندارد، یعنی مبانی مدرنیته نمی تواند آن مدعا ها را به دوش کشد، مثلا حقوق بشر را وقتی به عنوان یک کیس مطرح می کند، این در ادبیات دینی و دستگاه دینی بهتر می شود برای آن محملی و مبانی ایجاد





کرد تا مبانی سکولار، و من در این کار نگاهم معطوف به تیلور بوده است، وگرنه با برخی از نکاتی که فرمودید موافق هستم، مثلا در بحث اصالت، که خود تیلور یکی از افراد مهم نظریه پرداز اصالت است، مخصوصا در کتاب اخلاق اصالت خودش، و نقد های جدی دارد به پیشینیان خودش، آنهایی که در مورد اصالت ایده پردازی کردند مانند .. هایدگر و ... ولی با نگاه شما موافقم یعنی نگاه عرفانی و حتی آیات قرآن، به ما در واقع نوع دیگری از اصالت را یادآوری می کند، که ما باید به آن توجه کنیم، در قرآن در سوره حشر خداوند می فرماید: «ولاتکونوا کالذین نسوا الله فانساهم انفسهم»، مثل کسانی نباشید که خدا را فراموش کرده اند، و این باعث شده است که خودشان را فراموش کنند، یعنی گویا یک نسبت معنا داری وجود دارد بین یاد خدا، ارتباط با خدا و ذکر با خدا، و آن خود حقیقی ما، با آن فطرت و نحوه خلقتی که ما انسان ها داریم، و ما می توانیم یک باز تعریفی از اصالت داشته باشیم، بر اساس مبانی دینی،

در مورد معنای سکولار در معنای سوم

اینکه این حیث روانی دارد، برای من منظور شما خیلی روشن نبود اما آنچه که می دانیم این است که ، در واقع یک بحث [یا یک] اجتماعی است یعنی امروزه در کشور های غربی، گزینه های مختلفی وجود دارد، شما می خواهید فرزندتان تعلیمات دینی داشته باشد، بستر آن مهیا است، نمی خواهید فضای دینی داشته باشد بسترش مهیا است، حتی یکی از نزاع هایی که در یکی از کشور های غربی، چند سال پیش در انگلیس یا جا های دیگر، احتمالا نمونه هایی داشته، محتوای کتاب های درسی است، که برای بچه ها در مدرسه، نظریه تکامل آموزش داده شود ، نزاع هایی که حالا به دادگاه می روند و هر کسی کیس خودش را به نتیجه برساند.

مثلا هاور ماکس می گوید ما به دوره ای رسیده ایم که دین و ضد دین به این نتیجه رسیده اند که گویا یکی نمی تواند دیگری را حذف کند، و هر دو باید دیگری را بپذیرند، و به یک همزیستی مسالمت آمیز روی بیاورند، دین داران فضای دین داری خودشان را داشته باشند، و غیر دین داران هم همچین، و هیچ کدام سعی نکنند دیگری را حذف کنند

در مورد این وضعیت فعلی که ما در فضای جهان اسلام داریم و تیلور چه کمکی می کند؟

من یک نکاتی اجمالی در انتهای کتاب آورده ام که پیشنهاد های برای تحقیقات آتی، انجا خطوط کلی را سعی کرده ام بگم، اجمالا اینکه:

- ما فهم بهتری داشته باشیم از شرایط موجود

- نقد های خوبی را مطرح می کند نسبت به مدرنیته





- نقد های خوبی را مطرح می کند به نهاد مسیحیت و از این مورد می توانیم به عنوان یک تجربه استفاده کنیم برای بازخوانی قرار دهیم، و اگر نکاتی داشت استفاده کنیم.
- و آنچه که نکته بسیار مهم تیلور است، و برای ما می تواند ارزشمند باشد، این است که تیلور معتقد است که ما از دل مدرنیته، می توانیم نقد بزیم به ماروای یعنی اگر ما انسان را درست بشناسیم، و اگر نیاز های او را درست ترسیم کنیم، خود درون انسان، خود نیاز های او، و خود شرایطی که ما در آن زندگی می کنیم ما را منتهی می کند به جایی که زیستن در این جهان مادی صرف کافی نیست و نیاز مند به تایید ماوراء هستیم، تعبیری که یک جایی دارد این است که به نظر من زندگی کامل نمی شود، به کمال خود نمی رسد مگر آنکه ما به ماوراء مراجعه کنیم، این را بیشتر در انتهای کتاب سکولاریج می شود دید یعنی، ما در واقع رویکردی که در جهان جدید و در جهان مدرن، می توانیم داشته باشیم، از خود زمین شروع کنیم، و از زمین که شروع کردیم، منتهی تقریر ما باید به نحوی باشد که ما را به آسمان برساند یعنی برخلاف آنچه که در کلام سنتی، در شیوه های تبلیغ سنتی دین، سراغ داریم که از آسمان آغاز می شود، از واجب الوجود آغاز می شود، و بعد به زمین می رسد، در جهان جدید باید از همین زمین شروع کنیم، از همین انسان شروع کنیم، و بر اساس نیاز های او، بر اساس خواست او و بر اساس اینکه او می خواهد اخلاقی زندگی کند، خب اخلاق را چه مبنایی برای ان تعریف می کنید؟ من می خواهم زیست معنا دار داشته باشم، زندگی معنا دار داشته اشم، من به معنویت نیاز دارم همه ی انسان ها در درون خودشان نیاز به معنویت را حدس می کنند، این چگونه قابل تعمیم است؟ با آغاز کردن از زمین همین انسان مدرن را می توان به آسمان رساند، و این رویکرد کلی است که از تیلور می توان یاد گرفت، و الهام گرفت و به کار بست و البته نقد های مختلفی هم به ایشان مطرح است.

در پایان نیز اساتید به پرسش های مطرح شده پاسخ گفتند





مستندات نشست



بِناهِمِ خُدا

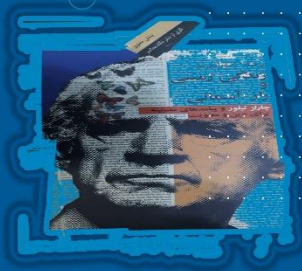
معاونت پژوهشی و تولید دانشگاه مجازی

نشست علمی ، نقد کتاب

زندگی زمینی و راز آسمانی

چارلز تیلور

و پیامدهای مدرنیته برای دین و معنویت



نویسنده

دکتر وحید سهرابی فر

عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب



ناقد

حجت الاسلام دکتر حبیب... بابائی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی



دبیر علمی

دکتر حمید علی آبادی

استاد بکار جامعه المصطفی العالمیه



دوشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۰
21 Jun 2021

ساعت ۱۸:۰۰ به وقت تهران

لینک شرکت در جلسه

live.mou.ir/research

همراه با
اعطای گواهی





Adobe Connect - نقد کتاب - زندگی زمینی و راز آسمانی - نویسنده دکتر سپهرانی فر-ناقد دکتر بابایی

Events Index

Search

Filter Events

Chat Messages

Camera

Sharing [0:00:00]

نگارنده [1:58:38]

نقد کتاب

نشست علمی، نقد کتاب
زندگی زمینی و راز آسمانی
چارلز تیلور
و پیامدهای مدرنیته برای دین و معنویت

نویسنده
دکتر و حمید سپهرانی فر
مدرس تربیت معلم، دانشگاه علامه طباطبائی

ناقد
حجت الاسلام و کلام حسیب... یلمانی
مدرس تربیت معلم، دانشگاه علامه طباطبائی

دبیر علمی
دکتر حمید علی آبادی
مدیر پژوهش، پژوهشگاه امام خمینی

دوشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۰
21 Jun 2021
ساعت ۱۸:۰۰ به وقت تهران
لینک شرکت در جلسه
live.mou.ir/research

Video (1)

Chat 8 (Everyone)

Mohammed Hossein Jafar: صدا خوب است
است بی‌مطلب - حال و لوتی شکر خج بی‌هشتم

farideh mohammadian: صدایم روشن می‌باشد

farideh mohammadian: صدا

pajohesh Department: یکبار خارج و یکبار وارد شوید

pajohesh Department: درست می‌شود آن شاء الله

pajohesh Department: تصویر گرایی که مشکل در دریافت صدا و تصویر دارند می‌توانند روی تصویر اسباب بزنند
د تا قطع صدا حذف شود

Attendees (63)

Active Speakers

Hosts (4)

- pajohesh...
- مفتاح
- مفتاح
- مفتاح سپهرانی

Presenters (0)

Participants (59)

- Abdul Ma...
- alavi
- Ali
- ali asghar...
- asiehamir...
- Atiyeh A...
- esmat Mr...
- f.Akbari
- farideh m...
- hamedi
- hamidi
- jalali
- karimi
- kazimzaki
- khadije N...
- Mohamm...
- Muh...
- musa
- naser
- nazemi
- Nima Me...
- Parsa
- salehi

0:57:39/1:59:32

